علل ناتوانی اپوزیسیون در همکاری و سازماندهی جبهه‌ای مشترک برای سرنگونی حکومت اسلامی (آسیب‌شناسی)



فهرست مطلب‌های این نوشته‌

[جستار گشائی 2](#_Toc151839182)

[صورت وضعیت 2](#_Toc151839183)

[عدم شناخت دوران و جنبش 2](#_Toc151839184)

[انزوای حکومت اسلامی 3](#_Toc151839185)

[آسیب‌های درونی 3](#_Toc151839186)

[عدم درک تنوع گسترده 3](#_Toc151839187)

[نیاموختن از گذشت روزگار 3](#_Toc151839188)

[عدم درک اهمیت رهبری و سازماندهی 3](#_Toc151839189)

[فرقه‌گرایی 4](#_Toc151839190)

[انشعاب‌گران 4](#_Toc151839191)

[نوبنیانگذران 4](#_Toc151839192)

[منفردان 4](#_Toc151839193)

[روسپیان سیاسی 4](#_Toc151839194)

[تخم لق سازمان افقی 5](#_Toc151839195)

[آسیب‌های بیرونی 5](#_Toc151839196)

[تردید و تزلزل دولت‌های غربی 5](#_Toc151839197)

[عاملان حکومت اسلامی 5](#_Toc151839198)

[درمان 6](#_Toc151839199)

[گفت و شنود 6](#_Toc151839200)

[حداقل اشتراک، حداکثر همکاری 6](#_Toc151839201)

[بهبود فنون و مهارت‌های سازمان‌دهی 6](#_Toc151839202)

[پذیرش تنوع و تکثر 6](#_Toc151839203)

[پیگیری و تداوم مبارزه 6](#_Toc151839204)

[پیوند محکم‌تر جنبش داخل و خارج 7](#_Toc151839205)

[درک ضرورت همبستگی ملی 7](#_Toc151839206)

[درک نقش احزاب سیاسی 7](#_Toc151839207)

[مبارزه با تورم احزاب و سازمان‌ها 7](#_Toc151839208)

[برای مطالعه بیشتر 8](#_Toc151839209)

# جستار گشائی

در شرایطی که حکومت اسلامی با ابربحران‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، عدم اعتماد توده‌ها و نظام بین‌المللی روبرو است، بحران های‌عمیق اقتصادی و اجتماعی تشدید شده است؛ فقر فزاینده گسترش یافته است، فساد، بیکاری، تورم، تبعیض‌های عقیدتی، سیاسی، جنسیتی و اتنیکی بیداد می‌کند؛ ناکارآمدی حکومت در حل مشکلات مردم هر روز آشکارتر می‌شود؛ در شرایطی که زنان و جوانان فداکارترین، مبتکرترین، موثرترین و الهام‌بخش‌ترین جنبش سیاسی، اجتماعی و فرهنگی معاصر را رقم می‎زنند؛ اپوزیسیونی که نمی تواند متشکل و همسو مبارزه کند و اعتماد توده‌ها را جلب و نیروی بیکران آنها را برای سرنگونی حکومت اسلامی و ایجاد یک نظام سکولار، دموکرات، روادار، صلح‌جو و کثرت‌گرا رهبری کند، به شدت بیمار است.

این اپوزیسیون بیمار، عناصر متشکله بیمار و فرهنگ و روش سیاسی-نظری بیمار دارد. آسیب شناسی اصلی‌ترین و چالشی‌ترین عناصر بیماری این اپوزیسیون موضوع این جستار من است. سعی می کنم تصویری از آسیب‌های درونی و بیرونی این جنبش و درمان آن ارائه کنم. تاکید می‌کنم که ادعای جامعیت ندارم و فقط طرح دوباره بحثی است که دیگران هم با دیدگاه‌ها دیگر و با مسئولیت و دغدغه بسیار پیش از من مطرح کرده‌اند.

## صورت وضعیت

حکومت اسلامی زیر ضربه‌های سنگین جنبش‌های مردمی مستمر چون خرداد ۱۳۸۸، دی‌ماه ۱۳۹۶، آبان ۱۳۹۸ و انقلاب مهسا هر روز ضعیف‌تر و منزوی‌تر می‌شود. فروریزی فرهنگی و باورهای اسلامی فعالان و طرفداران رژیم روزافزون و امیدبخش است. اعتراضات کارگران، کشاورزان، دامداران، فرهنگیان، بازنشستگان، پرستاران، دانشجویان، دانشگاهیان، مالباختگان، دادخواهان، فعالان محیط زیست، انجمن‌های خیریه‌ی مردمی و ... هر چند ناهمگام و ناهمسو، ولی گسترده است. رسوایی و انزوای جهانی رژیم و افشای فعالیت جنگ‌طلبانه و تروریستی آن سنگین و خردکننده است. تردید و ریزش نیروهای اداری، نظامی و ایدئولوژیک حکومتی و یا شخصیت های حامی آن چشمگیر است (ما پیوستن این عزیزان به جنبش مردم را به فال نیک می‌گیریم و با آغوش باز به آنها خوش‌آمد می‌گوئیم).

رژیم هر چند در ظاهر وانمود می کند که وضع آرام و همه چیز عادی است و جنبش را جمع کرده است، ولی تمام رهبران و نهادهای نظری، سیاسی، امنیتی و نظامی حکومتی در تشویش و نگرانی هستند، کابوس جنبش زن، زندگی، آزادی رژیم را لحظه‌ای آرام نمی‌گذارد.

## عدم شناخت دوران و جنبش

در یک نگاه کلی دیدگاه‌های بسیار متنوع و متضادی از نقش و کارکرد ایدئولوژی، روشنفکران مرجع، احزاب سیاسی، جنبش‌های اجتماعی، خیزش‌های خیابانی، تحولات فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات دیجیتالی و سازمان‌دهی شبکه ای در جنبش وجود دارد.

توهم و خوش‌بینی در مورد ظرفیت نظام جمهوری اسلامی برای اصلاح و تحول از یک سو و ارزیابی خوش‌بینانه‌ از ظرفیت و توانایی خیزش‌‌ها و جنبش‌های اجتماعی بدون رهبری و سازمان برای سرنگونی حکومت از سوی دیگر، عامل جدائی‌ها و شکل نگرفتن همبستگی ملی است. این مانع با عدم شناخت و اجماع در باره ماهیت ساختار نظام سیاسی موجود و ویژگی آلترناتیوی که میبایست جانشین آن شود، دشوارتر می‌شود.

### انزوای حکومت اسلامی

حکومت اسلامی ایران در عرصه جهانی در بن بست و انزوای است. اخراج جمهوری اسلامی از مقام زن سازمان ملل متحد، برپایی کمیسیون حقیقت‌یاب برای بررسی جنایات رژیم در ایران، رای اکثریت قاطع پارلمان اروپا برای قراردادن سپاه پاسداران در لیست تروریستی، توقف مذاکره برای برجام، بلوکه شدن ۱۲۰ میلیارد دلار از پول های ایران در حساب های بین‌المللی، عدم سرمایه گذاری خارجی در ایران، گسترش تحریم شرکت‌ها و افراد وابسته به سپاه و رژیم، افشای رژیم به عنوان یک حکومت جنایتکار در نزد جهانیان، شرکت سه شخصیت اپوزیسیون در کنفرانس امنیت در مونیخ و عدم دعوت نمایندگان رژیم و .... همه و همه نشانه‌های انزوای رژیم و بن‌بست حکومت اسلامی است.

**در این ابربحران و فلات و انزوای رژیم، اپوزیسیون توان، آمادگی و ابزار بهره برداری کامل از این شرایط را ندارد. این ناتوانی آشکارترین نشانه بیماری اپوزیسیون است.**

این بیماری از دو دیدگاه درونی و بیرونی بررسی می‌کنیم.

# آسیب‌های درونی

## عدم درک تنوع گسترده

جنبش براندازی در ایران از تنوع بی‌نظیر و چالش‌برانگیز نظری، سیاسی، فرهنگی و قومی برخوردار است. بسیاری از این تنوع و رنگارنگی‌ها نمایندگان سیاسی و نظری خود را در جنبش دارند. عدم درک این تنوع و یا تلاش در جهت نادیده گرفتن برخی از نمایندگان این تنوع، یکی از آسیب‌های جدی و ترمزکننده جنبش است.

در جنبش ایران، گرایش سیاسی گوناگون چون جمهوری‌خواهان، مشروطه‌خواهان، نیروهای اتنیکی، ملی مذهبی‌ها و اصلاح طلبان، سازمان مجاهدین خلق فعال هستند. هرگونه تلاش برای حذف یکی یا چند از این نیروها به ماندگاری حکومت اسلامی کمک می‌کند.

## نیاموختن از گذشت روزگار

تاریخ ما شاهد جنبش‌های سترگ و دورانساز بوده است. ما دستاوردها بزرگ و شکست‌های مرگبار داشتیم. در درس‌گیری از واقعیت عینی تاریخ ناتوانیم. قادر به شناخت گذشته برای ساختن آینده نیستیم.

از واقعیت عینی تاریخی، تحلیل سیاسی جانبدارانه برای توجیه این یا آن حرکت سیاسی اجتماعی می‌شود. چه استادانی که برای توجیه دیکتاتوری کتاب‌ها نمی نویسند و چه مورخانی که آن بخشی از تاریخ را گزینشی روایت می‌کنند که جنایتکاران و عاملان ویرانی ایران، روسفید می‌شوند.

## عدم درک اهمیت رهبری و سازماندهی

اهمیت و حیاتی بودن رهبری واحد، سازماندهی سراسری و تشکل تدارکات و پشتیبانی (لجستیک یا آماد) در جنبش براندازی درک نشده است. این عدم درک دو نشانه‌ی بیماری دارد: پراکندگی و ضعف احزاب و سازمان‌ها و پراکندگی و ضعف جبهه‌ها و جبهه سراسری.

بکارگیری فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات نوین و شهروندخبرنگاری هر چند می‌تواند به اعتراضات فردی ویژگی و خصلت جمعی بدهد ولی جای سازمانی که استمرار، حافظه و اسناد تاریخی و کادرها و رهبری ثابت دارد و قادر به جمع‌بندی و درس‌گیری از مبارزه در هر مرحله و آماده شدن برای مرحله بعدی است، را نمی‌گیرد. این عدم درک خود را در نپیوستن به تشکیلات‌ها و شکل نگرفتن ائتلاف‌های گسترده ملی نشان می‌دهد. پیامد وجود نداشتن رهبری و سازماندهی، تشکیل قشر خاکستری وسیع و ترس توده‌ها از پر مخاطره بودن گذار و فروپاشی حکومت اسلامی و بروز هرج و مرج، جنگ داخلی، انهدام زیر ساخت‌های کشور و احتمالا تجزیه ایران است. در ضمن دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی نمایندگی جنبش را نمی‌بینند و تزلزل و تردید آنها برای حمایت جنبش، علیرغم تروریسم و جنگ‌طلبی و زیر پا گذاشتن حقوق بشر از سوی حکومت اسلامی، بیشتر می‌شود.

## فرقه‌گرایی

بسیاری از رهبران سازمان‌های سیاسی با عدم اعتماد به خود نزدیکی با نیروهای سیاسی مشابه را خطری برای خود می بینند و در پوشش انتقادهای نظری و سیاسی، با پافشاری روی خطاهای دیگران و تمرکز روی اختلاف های گذشته، با سختگیری، خرده‌گیری، خودپسندی، عدم ازخودگذشتگی، عدم صداقت و عدم تلاش در اعتمادسازی به انشقاق‌ها دامن می‌زنند در عمل به مصالح عمومی و آینده جنبش آسیب می‌رسانند.

آنها قادر به درک تفاوت بین کار جبهه‌ای (حداقل اشتراک) و حزبی (برنامه واحد، حداکثر اشتراک) نیستند.

## انشعاب‌گران

در سپهر سیاسی ایران، قبح انشعاب برجسته نیست. هر کس می‌تواند با اندک اختلاف با اکثریت، انشعاب کند و سرزنش نشود. از او نخواهند پرسید آیا هیچ راهی برای دموکراتیزه کردن تشکل و معرفی نظرات تو وجود نداشت؟ آیا انشعاب تنها چاره بود؟ مبارزه برای ایجاد ساز و کاری برای فعالیت تشکیلاتی دموکراتیک، با بی‌صبری انشعاب جایگزین می‌شود و دشمنی جدید در جنبش ایجاد می‌کند.

## نوبنیانگذران

جنبش براندازی ایران از تورم تشکل‌ها رنج می‌برد. باز هر روز سیاستمداری خوابنما می‌شود که آخرین نسخه‌ی کارای سیاسی، نظری و تشکیلاتی؛ پلاتفرم و منشور جنبش سرنگونی را در دست دارد و عده‌ای را به نشست بنیانگذاری یک سازمان یا جبهه جدید فرا می‌خواند.

این سیاستمداران حاضر نیستند از مسیری که دیگران برف آنرا کوبیدند بروند، می‌خواهند خودشان از نو بسازند. آنها نمی‌خواهند به سازمان‌ها و جبهه‌های موجود که با تلاش، وقت و سرمایه مادی و معنوی هزاران نفر شکل گرفت، بپوندند، این سازمان‌ها را تقویت و اصلاح کنند. این نوبنیانگذاران اگر عامل حکومت اسلامی نباشند، بی‌شک در زمین او باز می‌کنند و سازمانده‌های استمرار انشقاق و تورم سازمان‌ها در جنبش هستند.

## منفردان

تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه یک کار جمعی است. هم دیکتاتورها منور که می‌خواهند با استبداد و به تنهایی جامعه را اصلاح کنند و هم سیاستمداران منفرد که در چارچوب هیچ تشکل و نظمی نمی‌گنجند و شترمرغ عرصه سیاست هستند، آفت جدی مبارزه سیاسی و اصلاحات اجتماعی هستند.

## روسپیان سیاسی

برخی سیاستمداران و کنشگران اجتماعی در ده‌ها تشکل حضور دارند. طوری که هیچ کار ویژه‌ای برای هیچیک از تشکل‌ها انجام نمی‌دهد. حتی وقت شرکت در نشست‌ها از آغاز تا پایان را ندارند، نیمه یک نشست می‎آیند و نیمه نشست دیگر خداحافظی می‌کنند. برای آنها مبارزه در نشستن در جلسات و حرف زدن خلاصه می‌شود. این روسپیان مبارزه را به سطح نشست محفلی تنزل می‌دهند.

## تخم لق سازمان افقی

برخی نظریه‌پردازان جنبش با اشاره درست به آسیب‌های جدی سازمان‌های هرمی به سازمان افقی و نفی سازماندهی، فرماندهی، هدف مشترک، انظباط تشکیلاتی و همسوکردن نیروها می‌پردازند. بر بستر عدم وجود فرهنگ تشکل‌پذیری در ایران، تبلیغ سازمان افقی به تشکل‌ناپذیری دامن می‌زند. اکنون که ما با حکومت اسلامی، دشمنی که با سازماندهی منظم، تمرکز اطلاعات، تبلیغات و نیروی سرکوب، روبرو هستیم، عدم وجود همسوئی و همگامی و تشکل‌ناپذیری زهری کشنده است در عضلات جنبش.

بی‌شک سازمانی که همه‌ی اعضای آن حقوق و مسئولیت برابر دارند و همه پاسخگو هستند، هدف بنیادی ماست، اما سازمان‌ناپذیری و عدم تمرکز نیرو و تبلیغات و رهبری‌ناپذیری به ضرر جنبش است.

عدم درک اهمیت حیاتی روشنفکران مرجع، سازمان‌های سیاسی، صنفی و مدنی، رهبری و نقشه راه و تاکید بیش از حد بر اهمیت و کارکرد شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی ادامه‌کاری، تجربه‌اندوزی، جمع‌بندی و آسیب‌شناسی جنبش را فلج می‌کند. فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات نوین، فعالیت شبکه‌ای، رهبری و سازمادهی کلاسیک را تکمیل و تقویت می‌کند ولی هرگز جایگزین آن نمی‌شود و کارکرد آنرا ندارد.

# آسیب‌های بیرونی

## تردید و تزلزل دولت‌های غربی

دولت‌های غربی در حمایت خود ار دموکراسی و حقوق بشر قاطع، پیگیر و دوراندیش نیستند. آنها بیش از هر چیز به منافع نزدیک خود فکر می‌کنند و مناسبات خود را با کشورهای تمامیت‌خواه، استبدادی، تروریستی و ناقض حقوق بشر با توجه به منافع نزدیک خود تنظیم می‌کنند نه با توجه به صلح جهانی، منافع دراز مدت مردم جهان.

حکومت‌های غربی علیرغم حمایت‌ها و پیام‌های دوستانه به اپوزیسیون ایران، امید خود را به جمهوری اسلامی از دست نداده‌اند و از حمایت آن دست برنداشتند. کاهش کنش‌های مبارزان ایران و خلوت‌تر شدن خیابان‌ها، روابط غرب را با حکومت اسلامی را تقویت می‌کند.

## عاملان حکومت اسلامی

اسلامگرایان سیاسی حتی پیش از پیروزی‌ انقلاب بهمن در سازمان‌های سیاسی نفوذ کردند. عاملان و پرستوهای حامل طرح های تفرقه‌اندازانه و توطئه آمیز از اتاق فکر حکومت اسلامی در جنبش فعالند. ما اکنون امکان و توان شناخت آنها از طریق کار اطلاعاتی را نداریم، ولی از روی عملکرد آنها قادریم آنها را شناسایی و منزوی کنیم. باید به عدم وابستگی به حکومت اسلامی افرادی که فعالیت‌های زیر را می‌کنند، با دیده تردید بنگریم: با تشتت و ابهام، شک و شبهه ایجاد می‌کنند؛ به بی‌اعتمادی‌ها دامن می‌زنند؛ به سازمان‌ها و شخصیت‌های موثر مخالف رژیم فحاشی و توهین می‌کنند و یا افترا می‌بندند؛ بین جمهوری‌خواهان و مشروطه‌خواهان جدایی می‌اندازند؛ به شکاف بین نسل‌ها، زنان و مردان، اقوام و ملیت‌ها، مبارزان داخل و خارج، جریان‌های سیاسی راست، میانه و چپ دامن می‌زنند؛ تبلیغ مبارزه با مذهب می‌کنند؛ تبلیغ خشونت، تخریب و هرج و مرج می‌کنند.

# درمان

برای درمان، همه‌ی ما باید فکر و تلاش‌های خودمان را روی هم بگذاریم و عوامل داخلی و نیز به محیط خارجی‌ خودمان را به دقت بررسی کنیم. نقاط قوت و ضعف، موانع و فرصت‌ها را بشناسیم. بعد از آسیب‌شناسی دقیق، برای ارتقاء همکاری‌ها با تمام توان بکوشیم.

## گفت و شنود

ایجاد یک فضای گفت و شنود شفاف، احترام و اعتماد متقابل به یکدیگر و گسترش گفتگو و روابط بین مبارزان، سازمان‌ها، احزاب، و جبهه‌ها و ایجاد یک فضای ارتباطی سالم بین گروه‌ها و جریانات مختلف تعیین کننده است. ادبیات گفت و شنود جنبش باید به طور بنیادی دگرگون شود. نیش، کنایه، توهین، تهمت و افترا به بهانه نقد باید طرد شود.

## حداقل اشتراک، حداکثر همکاری

اپوزیسیون باید تلاش کند تا با یک حداقل اهداف مشترک و قابل قبول برای حداکثر مبارزان، حداکثر همکاری و همگامی را برای سرنگونی عملی کند.

برای سرنگونی رژیمی چون حکومت اسلامی که برای بقای خود دست به هر جنایتی می‌زند، پیشرفته‌ترین ابزار شناسایی و سرکوب را در اختیار دارد، برای سرکوب بودجه کلان اختصاص می‌دهد؛ درجه بسیار نیرومندی از هدف مشترک، همبستگی سراسری، سازماندهی کارا، هماهنگ سازی و تشکل سیاسی لازم است. بدون این آمادگی کسب قدرت ناممکن و فرستادن جوانان و مردم به میدان جنگ زیانبار است.

## بهبود فنون و مهارت‌های سازمان‌دهی

جنبش براندازی تاکنون موفق به ایجاد رهبری، سازمان دادن کنش‌های اجتماعی و ارتباط با توده‌ها و مجامع بین‌المللی نشد. باید روی نیمکت آموزشی نشست و از جنبش‌های موفق آموخت. بهبود مهارت‌های سازمان‌دهی، بهبود امکانات، بهبود کانال ‌های تماس با هم و با مردم باید در صدر برنامه همه افراد و سازمان‌ها باشد.

رهبری جنبش باید جنبش‌های صنفی، مدنی، زیست‌محیطی را با جنبش براندازی همسو کند. بدون قانع شدن این گردان که حکومت اسلامی نه توان و نه اراده برآوردن خواست‌های آنها را دارد؛ بدون به میدان آمدن فعال آنها پیروزی متصور نیست. از سوی دیگر خیزش‌ها صنفی و مدنی باید آگاه شوند بدون شکل‌گیری و پشتیبانی احزاب سیاسی آنها شانس موفقیت ندارند. تا زمانی که فقط در سطح مطالباتی بمانند و برای تبدیل شدن به ساز و کاری برای ایجاد تحولات سیاسی تلاش نکنند، هیچ دستاوردی نخواهند داشت.

## پذیرش تنوع و تکثر

تنوع و تکثر در ایران یک امکان است نه یک مانع. قبول تنوع فرهنگ‌ها، زبان‌ها، دیدگاه‌ها، و آگاهی از تفاوت‌ها منجر به تقویت و توسعه منابع اپوزیسیون می‌شود.

## پیگیری و تداوم مبارزه

اپوزیسیون باید به بسیج سیاسی خود علیه حکومت اسلامی، حمایت از اعتراضات سیاسی، صنفی، مدنی و محیط‌زیستی، پیوندهای خود را با نمایندگان غرب پیوسته و پیگیر ادامه دهد. خیابان‌های شهرهای ایران و پایتخت های غربی باید همیشه از فریاد دموکراسی‌خواهی و افشای نقض حقوق بشر در ایران و سیاست‌های تروریستی و جنگ‌طلبانه حکومت اسلامی پر باشد.

## پیوند محکم‌تر جنبش داخل و خارج

هرچند قلب تپنده و نیروی اصلی جنبش سرنگونی در داخل است ولی امکانات هشت میلیون رانده‌شدگان از کشور سرمایه هنگفتی است.

جنبش سیاسی داخل و خارج بر روی همه تاثیر دارند. جنبش سیاسی خارج باید با هماهنگی و همگامی بیشتر عمل کند و انرژی مثبت در سپهر مبارزه برای سرنگونی بدمد. فنون و رسانه‌های ارتباطی جدید همزمان که ما را قابل‌کنترل‌تر و آسیب‌پذیر‌تر می‌کند، امکانات زیادی برای هماهنگی و پیوند مبارزه داخل و خارج فراهم می‌کنند.

## درک ضرورت همبستگی ملی

شناخت دقیق حکومت اسلامی، درک این حقیقت که هیچ یک از سازمان‌های سیاسی قادر نیستند به تنهایی نظام جمهوری اسلامی را سرنگون کنند؛ نیاز یک همسوئی فراگیر و همکاری نیروها حول یک برنامه یا منشور ائتلافی حداقل را در صدر برنامه ما قرار می‌دهد. این کار اگر ده‌ها بار شکست بخورد، باز باید آسیب‌شناسی شود و تا نیل به آن ادامه یابد. افشاگری علیه رژیم، کافی نیست. باید برای تصرف قدرت سیاسی، تاکتیک‌ها، استراتژی و نقشه راه روشن داشت و ائتلاف گسترده حداقلی بر پایه دموکراسی، استقرار یک حکومت سکولار و روادار، یکپارچگی سرزمینی، منشور حقوق بشر و نجات محیط زیست، لازمه بنیادی تصرف قدرت سیاسی است.

## درک نقش احزاب سیاسی

با تشکل‌گریزی و سازمان‌ناپذیری باید یک تسویه حساب جدی کرد. کار نظری، ترویجی، تبلیغی جدی لازم است. بنیان دموکراسی احزاب هستند (برای همین نظام‌های تمامیت‌خواه با آزادی احزاب با تمام توان خود مبارزه می‌کنند). ما بدون تمرین دموکراسی و مبارزه در احزاب و پیوستن به احزاب بلوک خود، توده‌های بی‌شکل هستیم. با دشمنی با احزاب در روشنفکران که ادامه‌ی سرکوب حکومتی است، باید با شدت برخورد نظری کرد.

احزاب ما در جنبش باید جایگاه و نقش خود را پیدا کنند. احزاب ما باید با جنبش‌های اجتماعی پیوندی پویا و ارگانیک برقرار کنند و با ارائه یک چارچوب و برنامه مناسب برای شناخت علل مشکلات و راه حل آنها، تقویت همدلی و همبستگی ملی، آموزش سیاسی عمومی مردم، خبررسانی موثق، انگیزه بخشی و کمک به کاهش موانع مشارکت مردم در مبارزه تلاش کنند.

## مبارزه با تورم احزاب و سازمان‌ها

در ایران تشکل‌های سیاسی کوچک بی‌شماری از چپ، راست، میانه، سوسیال دموکرات گرفته تا لیبرال، لیبرال دموکرات، محافظه کار و ملی‌گرا با برنامه‌های کم و بیش مشابه وجود دارند. آنها بخش قابل توجهی از انرژی و توانایی خود و جامعه را هدر میدهند. با نمایش مادی پراکندگی، مردم را ناامید می‌کنند. از آنجایی که کوچکند تاثیر سیاسی و اجتماعی ندارند. وجود آنها به میزان زیادی ناشی از فرقه‌گرایی، گروه‌گرایی، منزه‌طلبی و خودبزرگ‌بینی این تشکل‌ها و رهبران آنها است .باید زشتی این تورم را نشان داد، با تلاش گسترده برای وحدت و ادغام احزاب و سازمان‌های کوچک و مشابه با این تورم به طور جدی مقابله کرد. بهینه برای جنبش ما وجود دو تا سه حزب بزرگ در هر یک از بلوک‌های سیاسی راست، میانه و چپ است. در این مبارزه با تورم، امید زیادی به رهبران، پیران و مردان نیست، فشار باید از سوی اعضا، جوانان و زنان باشد.

با این اقدامات و بررسی دقیق تر و پیگیرتر، امکان بهبود همکاری‌ها و سازماندهی جبهه‌ای مشترک در اپوزیسیون ایران برای سرنگونی فراهم می‌شود.

احد قربانی دهناری

۲ آذر ۱۴۰۲ - ۲۳ نوامبر ۲۰۲۳

# برای مطالعه بیشتر

جلال ایجادی: [آسیب شناسی اپوزیسیون، ائتلاف برای سرنوشت ملی](https://www.akhbar-rooz.com/194544/1401/12/07/)

مسعود نقره‌کار: [آسیب‌شناسی جریان‌ها ی برانداز در ایران](https://azadivaedalat.com/2023/11/12/m-n-5/)

مهدی فتاپور: [برخی موانع همکاری و اتحاد نیروها](https://asre-nou.net/php/view.php?objnr=47172)

هادی زمانی: [ملاحظاتی پیرامون توان و ضعف‌های جنبش‌های اجتماعی ایران](https://mihan.net/1400/12/09/3565/)